

نقش عوامل تأثیرگذار بر مدرسه در سند تحول بنیادین در افق چشم انداز

حمید فرهادی^{۱*}، سعید شهابی پشته‌ئی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، بیرجند، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، بیرجند، ایران

چکیده

بشر امروزی برای رویارویی مؤثر با چالش‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی نیازمند تربیتی است که بتواند با شناخت توانایی‌های افراد و هدایت آن‌ها در جهت توسعه کامل استعداد خود زمینه‌های توسعه پایدار را فراهم نماید. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مهم‌ترین خط‌مشی در نظام آموزش و پرورش کشور ماست که در راستای سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ برای تحقق ایرانی توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل حرکت می‌کند. از سویی مدرسه به عنوان کانون تربیت و محیط یادگیری رسمی در سند تحول بنیادین مورد توجه جدی است. مدرسه به عنوان نهادی اجتماعی باید دانش‌آموزان را با چکیده سرمایه فرهنگی آشنا سازد، به طوری که بتوانند این میراث فرهنگی را بشناسند، در آن سهیم شوند و به سهم خود آن را گسترش دهند. از این رو مطالعه حاضر که صرفاً یک مطالعه توصیفی تحلیلی - استنباطی است، با استفاده از منابع موجود (سایت‌ها، مجلات، کتاب‌ها و ...) باهدف بررسی نقش عوامل تأثیرگذار بر مدرسه در سند تحول بنیادین در افق چشم‌انداز انجام شد. پژوهش حاضر به این نکته تأکید دارد که پیاده سازی و توجه متمرکز درست بر عوامل تأثیرگذار بر مدرسه زمینه تحول را ایجاد خواهد نمود.

واژه‌های کلیدی: سند تحول، آموزش و پرورش، توسعه‌یافتگی تحول بنیادین.

۱. مقدمه

تحقق ارزش ها و آرمان های متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است. احراز عرصه تعلیم و تربیت تعالی پیشرفت همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقا سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه های مختلف است. به این ترتیب تحقق آرمان های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان های عالم، متقی و آزاده و اخلاقی است. تعلیم و تربیتی که تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد؛ در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را یافته و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعداد های بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید [۱].

یکی از اصول متمم برنامه ریزی آموزش پرورش اصل تغییر و تحول است. «اگر قرار باشد آموزش پرورش بر اساس روند موجود پیش برود، رشد کند و توسعه یابد، دیگر احتیاجی به برنامه ریزی نیست. برنامه ریزی برای آن است که در روند موجود تغییر و تحول ایجاد کند و آن را در مسیر جدیدی قرار دهد و کمبود های کمی و معایب کیفی آن را بر طرف سازد» [۲]. در قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه کشور [۳] به دولت اجازه داده شده است تا برنامه تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش کشور را در چارچوب قوانین موضوعه اعمال نماید. این برنامه با الهام از ارزش های منبعث از آموزه های قرآن و سنت پیامبر (ص) و اهل بیت علیهم السلام و اسناد بالادستی، شامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهنمود های رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، سند چشم انداز بیست ساله، نقشه جامع علمی کشور و سیاست های کلی تحول نظام آموزشی تهیه و تدوین شده است و با مبانی نظری سند ملی آموزش و پرورش (شامل فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه تعلیم و تربیت رسمی عمومی و رهنامه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران) سازگار و مستند به مضامین مندرج در آن ها می باشد [۴].

مدرسه مکانی ایمن و سرشار از برنامه های آموزشی و پرورشی برای تمامی دانش آموزان است که نقش ارتقای دانش و مهارت دانش آموزان و ایجاد آمادگی در آنان متناسب با انتظارات حال و آینده جامعه است. مدارس امروزی در صدد تغییری اساسی برای پاسخ گویی به نیاز های جدید دانش آموزان قرن ۲۱ برآمده و این امر ضرورت تجدید نظر جدی در یاددهی-یادگیری، آموزش، محیط، فناوری، تجهیزات، امانات و ... را بیش از پیش نمایان ساخته است [۵]. از طرفی بر اساس سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، مراکز آموزشی و تربیتی، به ویژه مدارس، زمینه ساز تحقق اهداف و برنامه های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و تأمین کننده نیاز های فردی و جمعی دانش آموزان است [۶]. از سویی دیگر در سند تحول بنیادین مدرسه رکن اصلی نظام آموزشی و مظهری از تحقق مراتب حیات طیبه، کانون آرایه های فرصت ها و خدمات تربیتی، زمینه ساز درک و اصلاح موقعیت توسط دانش آموزان و تکوین و تعالی پیوسته هویت آنان بر اساس نظام معیار اسلامی است. در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران مدرسه محلی مناسب برای عرضه بایدها و نبایدهای نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی برای دانش آموزان و مبتنی بر ارزش های اسلامی و ملی محسوب میشود. این ارزش ها الهام گرفته از آموزه های قرآن کریم و نیز برگرفته از نقش معنوی، الگوهای تربیتی پیامبر اکرم (ص) و حضرت فاطمه زهرا (س) و ائمه معصومین (ع) به ویژه آموزه های بنیادین مهدویت و انتظار (جامعه مهدوی) و میراث نظری و عملی حضرت امام خمینی (ره)، قانون اساسی و ولایت فقیه است [۷].

فرآیند تعلیم و تربیت امری زمان بر و دیربازده است که در طولانی مدت به بار می نشیند. مخاطبان نهاد آموزش و پرورش، کودکان و نوجوانانی هستند که آنچه را امروز فرامی گیرند؛ فردا در رفتار و کردار خویش متجلی می سازند. در نتیجه، فعل و انفعالات آموزشی و تربیتی امروز بر چگونگی شکل گیری فرداهای دور و نزدیک تأثیر می گذارد و آرمان ها و اندیشه های فردا چگونگی سامان یابی امروز را متأثر می سازد. به بیان دیگر، برنامه های امروز و فردا در فرایند تعلیم و تربیت به شدت به هم گره خورده است و این نهاد، بیش از سایر ارگان ها و نهادها به برنامه راهبردی و استراتژیک نیازمند است. به همین دلیل امروزه

نهادهای آموزشی در اکثر کشورهای جهان با مسئله، تدوین و اجرای برنامه‌های راهبردی تحول‌آفرین دست‌وپنجه نرم می‌کنند[۸].

۲. روش

مطالعه حاضر یک پژوهش توصیفی تحلیلی - استنباطی است که با استفاده از منابع الکترونیک، کتاب‌ها، مجلات انجام شد.

۳. پیشینه پژوهش

عوامل تأثیرگذار بر مدرسه درسند تحول

۱- **عوامل بیرونی:** مدرسه بخشی از جامعه و معرف یک سیستم اجتماعی پیچیده با ویژگی‌های منحصر به فرد می‌باشد. در این میان مدرسه‌ای دوست‌داشتنی یکی از پر بارترین سیستم‌های اجتماعی در جامعه دارای حیات است و دائماً با جامعه اطراف خود در حال تعامل هست. از طرف دیگر درخواست‌ها و انتظاراتی از آنان دارد که به واسطه این انتظارات و با تحقق آن‌ها عملکرد مدرسه بهینه شده و حصول به اهداف در سطوح بالای کیفیت امکان‌پذیر می‌گردد.

الف) حاکمیت اسلامی: هدف از تشکیل حکومت در اسلام یا حکومت منطبق با ملاک‌های دینی، هدایت مردم به سوی کمال و برپایی عدالت است. برای تحقق این هدف ضروری است لوازم و عوامل زمینه‌ساز تحقق اهداف مذکور به تناسب شرایط زمانی و مکانی مورد توجه قرار گیرد. یکی از این لوازم حکومت هدایت گرانه، عادلانه و تربیت است که بیشترین نقش را در تداوم چنین حکومتی دارد. از این رو در برقراری جریان تربیت و سازوکارهای تحقق حق بر تربیت در جامعه اسلامی، حاکمیت یکی از ارکان است و ضروری است دخالتی آشکار و وسیع در مدیریت این موضوع در سطح جامعه داشته باشد. مداخله در تحقق تربیت، بنا بر دلایلی که در بحث ضرورت تربیت رسمی و عمومی مطرح گردید، در این نوع تربیت بیشتر و اثرگذارتر خواهد بود. حق بر تربیت به‌ویژه نوع رسمی آن، در زمره حقوقی است که دارای دوجنبه فردی و اجتماعی است، اما جنبه اجتماعی آن بر جنبه فردی‌اش غلبه دارد. در خصوص حقوق اجتماعی، دخالت دولت برای فراهم آوردن زمینه لازم جهت تحقق این حقوق لازم است. دولت باید نظارت جدی بر این حقوق داشته باشد تا همه افراد جامعه، به‌دوراز تبعیض، از حقوق مذکور برخوردار شوند. اگر برخی از افراد جامعه امکانات مادی یا توانایی‌های جسمی و فکری لازم را، برای بهره‌مندی از حقوق مذکور را نداشته باشند دولت مکلف است؛ شرایط مناسبی برای آن‌ها ایجاد کند و حمایت‌های بیشتری از حقوق آن‌ها به عمل آورد. بر این اساس جنبه اجتماعی حق بر تربیت رسمی ایجاب می‌کند دولت پایش آن را در جامعه به‌عنوان یک حق اجتماعی بر عهده گیرد که این وظیفه شامل طیف گسترده‌ای از فرایندها و فعالیت‌ها مانند هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت، ارزشیابی و اصلاح نظام تربیت رسمی می‌شود[۷].

ب) خانواده: در سند تحول بنیادین در ابتدای فصل دوم این‌گونه آمده است: وزارت آموزش و پرورش مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرآیند تعلیم و تربیت در همه ساحت‌های تعلیم و تربیت، قوام‌بخش فرهنگ عمومی و تعالی‌بخش جامعه اسلامی بر اساس نظام معیار اسلامی، **با مشارکت خانواده**، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی است[۱]. روشن است که نقش مشارکت خانواده در این بند جدی گرفته شده است؛ چراکه هستند خانواده‌هایی که تمام بار تعلیم و تربیت فرزند را بر دوش مدرسه گذاشته و خود را جدا از مدرسه می‌دانند. بارها و بارها از زبان برخی والدین گرامی شنیده‌ایم که هنگامی که از یک رفتار فرزند خود ناراحت می‌شوند می‌گویند در مدرسه همین چیزها را به شما یاد می‌دهند که این‌گونه شده‌اید غافل از اینکه کودک تنها یک پنج روزش را در مدرسه می‌گذراند و باقی روز را در کنار خانواده است و این خانواده است که باید تکمیل‌کننده آموخته‌های تربیتی مدرسه باشد و این خانواده است که آموخته‌های کودک را در آزمایشگاه واقعی آن یعنی جامعه دیده و مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بدیهی است اگر خانواده‌ای رفتار کودک را در جامعه تا حد امکان به معلم فرزندش

منعکس نماید معلم می‌تواند اثر تدریسش را مورد ارزیابی قرار داده و در تقویت نکات مثبت و حذف نکات منفی تدریس خود بکوشد. نظام آموزش و پرورش لازم است نقش اساسی را در تربیت اخلاقی، مدنی و معنوی بر عهده بگیرد و تلاش‌های خانواده را تکمیل کند. نظام آموزشی به همراهی دیگر مؤسسات باید به ارتقای حقوق انسانی، رفتار آزادمنشانه و تأیید ارزش‌های مورد نیاز عصر، مانند احترام به شأن و مرتبه انسان، سعه صدر، همبستگی و حمایت متقابل افراد بشر یاری رساند. انتقال ارزش‌های فرهنگی و اصول اخلاقی جامعه به کودکان و جوانان موجب پایدار ماندن و حفظ آن خواهد بود.

ج) رسانه: امروزه نقش و جایگاه رسانه‌ها در تمامی جوامع افزایش یافته است. از آنجایی که استفاده متریبان و مربیان از رسانه ملی همچنان بیشتر از فناوری‌های جدید است، بنابراین نظام تربیت رسمی و عمومی در جهت بهره‌مندی از ظرفیت تربیتی رسانه می‌تواند و باید با سفارش دادن ساخت برنامه‌های تربیتی متنوع و مفید به رسانه ملی و یا با طراحی سایت‌های مناسب در جهت ارتقای سطح تربیتی مخاطبان خود بکوشد [۹].

۲- عوامل درونی: عوامل درونی تأثیرگذار در مدرسه بسیارند؛ از جمله این عوامل می‌توان به مدیر، معلم، دانش آموزان، کارکنان، فضا و تجهیزات اشاره کرد. تعدادی از این عوامل نقش عمده و مؤثری ایفا می‌نمایند که می‌توان از آن‌ها به عنوان ارکان مدرسه نام برد. ساماندهی مداوم زمینه‌های تربیتی در فضای مدرسه، درگرو تغییرات هویتی کلیه عوامل تربیت اعم از مدیر، معلم و دیگر عواملی است که به نوعی با دانش آموزان سروکار دارند و ارتقای پیوسته مراتب وجودی آنان و نیز ساماندهی مداوم روابط و ساختارها و شکل‌گیری فرهنگ سازمانی مدرسه بر اساس نظام معیار است. در چنین فضایی برنامه‌ها در عین سازمان‌یافتگی مملو از فرصت‌های گزینش، ترجیح و انتخاب آزادانه و آگاهانه است، به گونه‌ای که هر یک از دانش آموزان، بر اساس استعدادها و توانایی‌های خویش، از فرصت‌های متنوع تربیتی برای درک و اصلاح مداوم موقعیت خود بر اساس نظام معیار برخوردار خواهد شد.

الف) مدیریت و رهبری توانمند و آگاه: مدیر از مهم‌ترین ارکان این مدرسه است که علاوه بر کارکرد اجرایی، کارکرد رهبری او در مدرسه نمایان‌تر و مهم‌تر است. مدرسه مکانی امن و غنی‌شده از برنامه‌های آموزشی و پرورشی برای همه دانش آموزان است و نقش آن علاوه بر ارتقای دانش و مهارت دانش آموزان، ایجاد آمادگی در آنان متناسب با انتظارات حال و آینده جامعه است. در چنین شرایطی و در افق چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، مدیر مدرسه می‌بایست مدرسه را تبدیل به مکانی تبدیل کند که دانش آموزان از حضور فعال در آن لذت ببرند و از ترک نمودن آن اکراه داشته باشد. در این مدرسه دانش‌آموز نه تنها در بخش آموزش بلکه در زمینه تربیت دینی و اخلاقی خود با معلمان مشارکتی فعال دارد. بنابراین دانش‌آموز مرکز توجه و محور فعالی است. به عبارت دیگر، در این مدرسه رویکرد دانش‌آموز محوری در کنار رویکردهای موضوع محوری و معلم محوری مورد تأکید و توجه است [۷].

ب) معلم: معلمان اکنون در سراسر دنیا یک گروه بسیار مهم اجتماعی حرفه‌ای محسوب می‌شوند و در برخی کشورهای در حال توسعه بزرگ‌ترین گروه حقوق‌بگیر را تشکیل می‌دهند؛ و ضروری است در کشور ما نیز توجه بیشتری به وضعیت مادی فرهنگیان مبذول گردد.

ج) برنامه درسی و آموزشی: برنامه درسی مناسب می‌تواند، کسب فضایل اخلاقی از جمله ایمان، تقوا، تولی و تبری، عمل صالح، خودباوری، مجاهدت، ظلم‌ستیزی، علم، حکمت، عفت، شجاعت، عدالت، صداقت، ایثار و فداکاری همراه با توجه به سلامت جسمانی، نشاط و تقویت اراده، وطن‌دوستی و افتخار به ارزش‌های اصیل و ماندگار اسلامی-ایرانی، مسئولیت‌پذیری همه‌جانبه، مشارکت اجتماعی، داشتن روحیه جمعی و کسب شایستگی‌های عام حرفه‌ای و مهارتی، زمینه سازوکار و کارآفرینی، ارتقای انواع و مراتب عقلانیت در همه ساخت‌های تعلیم و تربیت به صورت جامع، یکپارچه و متوازن، ارج نهادن به دستاوردهای علمی و تجربه‌های بشری در چارچوب معیارهای اسلامی برای دستیابی به مرجعیت علمی جهان را در برداشته باشد [۱].

د) دانش‌آموز: دانش‌آموز هدف اصلی هر نظام آموزشی و حاصل تعلیم و تربیت مدرسه است؛ چراکه هرآن چه در نظام تعلیم و تربیت جریان دارد هدف آن هدایت و تربیت دانش‌آموز است، پس از این نظر دانش‌آموز محور اصلی مدرسه محسوب

می‌گردد. معنا و مفهوم تربیت برای دانش آموزان به گونه‌ای است که در آن عقلانیت و آگاهی، آزادی، حصول به مفاهیم والای قرآنی، توجه به تدریجی و پیوسته بودن، تعاملی و دوسویه بودن، همه‌جانبه بودن، متعادل بودن، جامع‌ومانع بودن، توجه به مراتب حیات طیبه فطرت و طبیعت، تأکید بر معیارهای اسلامی، زندگی سالم و حیثیت اجتماعی، توجه به چالش‌های موجود و پیش رو و توجه به ادبیات مرسوم برای دانش‌آموز مورد تانید قرار دارد [۷].

ه) تجهیزات و فناوری مناسب: موضوع تجهیزات آموزشی و فناوری‌های نوین و به‌ویژه کاربرد آن در فرآیند آموزش یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین دغدغه‌های هر موسسه یا واحد آموزشی است. چراکه این تجهیزات نیاز به اعتبارات مالی دارند و باید بر اساس نیازهای آموزشی پیش‌بینی و تهیه شوند. این تجهیزات باید کافی بوده و از استانداردهای لازم برخوردار باشند، به‌علاوه چون نیاز به نگهداری و پشتیبانی دارند باید به شکل مناسب و بهینه مورد استفاده قرار گیرند. این تجهیزات شامل تجهیزات آموزشی و کمک‌آموزشی، تجهیزات اداری و سیستم‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات است، اعم از میز و صندلی، تخته‌سیاه یا وایت برد، میز و صندلی معلم در کلاس درس، سیستم برودت و گرمایش در کلاس درس، نوشت‌افزار داخل کلاس درس، رایانه مجهز به شبکه در داخل کلاس‌های درس، ویدئو پروژکتور برای ارائه مطالب آموزشی، تخته‌های هوشمند، کمد نرم‌افزارهای آموزشی مورد استفاده معلم و دانش آموزان، کتب مناسب، روزآمد و مورد نیاز دانش آموزان و وضعیت تجهیزات و امکانات اداری مدرسه و ... استفاده از این ابزارها فرایند یاددهی یادگیری را تسریع، تسهیل و تعمیق می‌بخشد. در این مدرسه نه تنها همگی موارد یادشده با برنامه‌ریزی قبلی رعایت می‌گردد، بلکه تجهیزات آموزشی و کمک‌آموزشی لازم شامل تجهیزات آزمایشگاهی، امکانات فناوری اطلاعات و ارتباطات به همراه سایر تجهیزات مورد نیاز هر درس، در فضای کلاسی دارای چیدمان است و کلاس‌های موضوعی نیز با امکانات مربوط به هر درس که در ضمن کافی برای استفاده گروه‌های دانش‌آموزی هستند با مبلمان آموزشی ویژه‌ای طراحی و ارائه می‌شوند. به‌علاوه نیروی انسانی مجرب و ماهر نیز وظیفه برنامه‌ریزی برای استفاده از تجهیزات در کلاس‌های درس و رسیدگی به نحوه استفاده صحیح و نگهداری از تجهیزات و رفع عیوب احتمالی را به عهده خواهد داشت [۱۰].

۴. تحول بنیادین

مراد از "تحول بنیادین در آموزش و پرورش" در این حرکت سترگ و کم‌نظیر در تاریخ آموزش و پرورش فراهم آوردن زمینه تحول عمیق و ریشه‌ای، همه‌جانبه، نظام‌مند و سیستمی، آینده‌نگر، مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و معارف اسلامی و متناسب با فرهنگ اسلامی - ایرانی بوده است. این نگاه و باور، الزاماتی را برای متصدیان و مجریان به وجود آورد که به اختصار به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

پایبندی کامل به معارف انسان‌ساز اسلام و مکتب تشیع
التزام به آرمان‌های انقلاب اسلامی، دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری
هماهنگی و همسویی با اسناد بالادستی از جمله قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور
رعایت اصول و معیارهای علمی و تدوین مدل مفهومی بومی
پژوهش محوری و انجام مطالعات بنیادی و استفاده از آخرین یافته علمی و پژوهشی
آینده‌نگری و بهره‌مندی از یافته‌های دانش آینده‌پژوهی
استفاده حداکثری از مشارکت معلمان، مدیران و صاحب‌نظران حوزه و دانشگاه
واقعیت‌گرایی و توجه به اقتضائات و شرایط بومی و منطقه‌ای و نیز الزام‌های مدیریتی و اجرایی
بهره‌گیری آگاهانه از تجارب بشری با توجه به فرهنگ خودی و الزامات فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی
رعایت تقسیم‌کار ملی و توجه به فرصت‌ها و تهدیدهای بیرونی
مهندسی همزمان و کوتاه کردن زمان تولید و تدوین سند
بسط اندیشه تحول‌خواهی و تولید سند [۱].

۵. مشکلات پیش روی سند تحول

- ✓ ناکافی بودن دانش فنی و تجربه تخصصی برای تدوین اسناد راهبردی و استراتژیک در کشور و کمبود نیروی متخصص و مجرب برای تدوین چنین اسنادی در حوزه های مختلف به ویژه علوم انسانی بالأخص علوم تربیتی.
- ✓ نوظهور بودن دانش "آینده پژوهی" و "آینده نگری" در کشور و عدم تربیت نیروهای واجد شرایط در مراکز دانشگاهی و علمی - پژوهشی متناسب با فرهنگ بومی و اقتضائات حال و آینده کشور.
- ✓ پیچیدگی علوم انسانی و تربیتی و ناکافی بودن تحقیقات بنیادی و نظریه های تربیتی و نیز ضعف دانش فنی برای نظریه پردازی در این حوزه و نیز تفاوت معنادار دیدگاه صاحب نظران در این حوزه به ویژه از منظر معارف اسلامی و مبتنی بر آموزه های قرآنی به طوری که نظام آموزش و پرورش در قبل و بعد از انقلاب اسلامی فاقد فلسفه مدون و مصوب بوده است.
- ✓ پوشیده بودن فرآیند مطالعات نظری و تدوین الگوهای کاربردی با توجه به فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و اقتضائات فرهنگ اسلامی - ایرانی و در نتیجه سختی دسترسی به الگوهای معتبر علمی برای مطالعه و تدوین اسناد.
- ✓ کمبود تحقیقات بنیادی و نظری و پژوهش های علمی معتبر به ویژه با رویکرد مطالعات راهبردی و مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی در حوزه تعلیم و تربیت و نظام آموزش و پرورش.
- ✓ تغییرات پی در پی در مدیریت عالی آموزش و پرورش در دوره زمانی تدوین سند ملی، به طوری که از زمان ابلاغ مصوبه هیئت وزیران و آغاز فعالیت تا زمانی که سند ملی در شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب رسید، شاهد حضور چند وزیر در وزارتخانه بودیم.
- ✓ آماده نبودن بسترهای اجرایی و عدم حمایت و پشتیبانی مالی و حقوقی و انسانی در فرآیند کار.

۶. نتیجه گیری

در راستای ایجاد تحول بنیادین در آموزش و پرورش باید چند نکته لحاظ شود.

اول آنکه آموزش و پرورش برای تبدیل وضعیت نیازمند یک فضای فرهنگی مناسب و طرح و برنامه ای می باشد که به یک روح جمعی تبدیل شود، در شرایط فعلی این بحث عمدتاً بین کارشناسان مطرح است. درواقع این ارتباط باید به یک فرهنگ تبدیل شود. مدیر مدرسه، معلم، حتی خانواده را نیز باید دخالت داد. دوم اینکه آموزش و پرورش سؤالات بنیادی خود را که باید به وسیله حوزه های علمیه پاسخ داده شود استخراج کرده و در اختیار حوزه قرار دهد. سوم اینکه یک اتاق فکر قوی تشکیل شود و اندیشمندان علاقه مند و معتقد به این کار در آنجا جمع شوند و به سؤالات مطروحه از طرف آموزش و پرورش پاسخ دقیق و کارشناسی دهند. لذا ما می توانیم و موظفیم که در اوضاع و احوال کنونی، درباره ی معنای واقعی تعلیم و تربیت در جهان امروز بیندیشیم و مسئولیت های آن را در قبال نسل های کنونی که باید آن ها را برای دنیای فردا آماده سازد، مجدداً تعیین کنیم و نیز نیروها و آرزوها، چشم اندازها و هدف های آن را مورد بررسی قرار دهیم.

در پایان می توان متذکر شد که توجه به نقش و کارکردهای پویای زیر ساخت های مورد نیاز در خصوص پیاده سازی سند تحول بنیادین از مهمترین پیشنهادات نوشته حاضر است. که منظور از زیر ساخت ها همان عوامل موثر تأثیرگذار بر مدرسه هستند که در قالب عوامل درونی و بیرونی در سند تحول مطرح هستند. که پیاده سازی و توجه متمرکز درست بر آن زمینه تحول را ایجاد خواهد نمود.

منابع و مراجع

۱. سند تحول بنیادین نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم‌انداز (۱۳۹۰)، تهران، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
۲. فیوضات، یحیی (۱۳۹۰). مبانی برنامه ریزی آموزشی، نشر ویرایش، ص ۷۹.
۳. کماکان، سید مهدی (۱۳۹۰)، قانون برنامه ۵ ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)، تهران: کمالان.
۴. سند نقشه جامع علمی کشور (۱۳۹۰)، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۵. ایمانی، محمدتقی و محمدی، فاطمه (۱۳۹۱). شناسایی ویژگی‌های مدارس توانمند و میزان انطباق مدارس متوسطه شهر تهران با این ویژگی‌ها. فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی. شماره ۱۲. ۷۱-۱۰۶.
۶. نظریور، محمدتقی؛ نوروزیان ملکی (۱۳۹۷). شناسایی مؤلفه های معماری مؤثر در ارتقای یادگیری دانش آموزان با تأکید بر فضاهای باز مدارس بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. مطالعات آموزش و یادگیری، شماره دوم، پیاپی ۷۵/۲، ص ۱۶۵-۱۹۳.
۷. حاجی بابایی، حمید (۱۳۹۱)، ویژگی‌های مدرسه‌ای که دوست دارم با توجه به سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال ۱۱، شماره ۴۲، ص ۵۱-۷۴.
۸. دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۱)، تحلیل اجمالی مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش در راستای تحول بنیادین، چاپ اول، انتشارات موسسه فرهنگی مدرسه برهان، ص ۲۸.
۹. فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰)، تهران: دبیرخانه ستاد تحول بنیادین آموزش و پرورش.
۱۰. سند توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و پرورش (۱۳۸۹)، تهران: دبیرخانه شورای آموزش و پرورش.